



exceptions

قاء

تفاوت‌های فرهنگی و پیشینه تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی، نقش مهمی در شکل‌گیری یک زبان و قاعده‌ها و استثنای آن دارند

یا مثلاً تقسیم‌بندی‌های زمانی در زبان انگلیسی، پیچیدگی‌ها و تنوعی دارد که زبان فارسی به آن‌ها نیازی ندارد.

در ضمن، برخی از موارد، به‌ویژه استثناءها، دلایل واضح، مشخص و قابل ارائه‌ای ندارند. این‌گونه موارد را باید به‌همین شکل پذیرفت و از آن‌ها تبعیت کرد. بنابراین وقتی زبان‌آموزی یادگیری زبان جدیدی را آغاز می‌کند، مانند این است که به کشوری جدید یا حتی دنیایی تازه وارد شده است و به‌ناچار باید از قوانین آن پیروی کند. مجموعه این قوانین، همان دستور زبان یا گرامر است.

آیا دستور زبان همه زبان‌ها به یک اندازه دشوار و پیچیده است؟ پاسخ منفی است. لاتین، چینی، ماندارین، ژاپنی و عربی، نسبت به سایر زبان‌ها، دستور زبان پیچیده‌تری دارند. به‌همین علت، یادگیری این زبان‌ها صبر، استقامت و ممارست بیشتری را طلب می‌کند.

برای این استثناءها منطقی یا دلیلی ارائه کرد، باید آن‌ها را به‌همین شکل به خاطر سپرد.

از سوی دیگر، زبان مادری فرد و تفاوت‌های آن با زبانی که قرار است آموخته شود نیز می‌تواند مانع و چالشی جدی برای یادگیری آن زبان باشد؛ به‌ویژه زبان‌هایی که ریشه‌های جداگانه دارند و از یک خانواده محسوب نمی‌شوند. این تفاوت‌ها می‌توانند شامل مواردی از جمله الفبا، تلفظ‌ها، ساختارهای دستوری، ترتیب واژه‌ها در جمله، نظام فعل‌ها و... باشند.

برخی هنگام یادگیری یک زبان خارجی مدام آن را با زبان مادری خود مقایسه می‌کنند و پیوسته به دنبال دلایل متفاوت بودن آن هستند. همین نکته مقاومت آن‌ها را برای یادگیری بیشتر و تقویت می‌کند. اما باید توجه داشت که تفاوت‌های فرهنگی و پیشینه تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی، نقش مهمی در شکل‌گیری یک زبان و قاعده‌ها و استثنای آن دارند. به عبارت دیگر، برخی از قاعده‌ها که ممکن است برای زبان‌آموزان غیربومی، غیرطبیعی و عجیب به نظر برسند، برای افراد بومی، طبیعی و عادی هستند. مثلاً برخی ساختارهای زبان انگلیسی اصلاً در زبان فارسی وجود ندارند. یا اینکه چیزی به نام حرف تعریف که در زبان‌هایی مانند انگلیسی و آلمانی وجود دارد، در زبان فارسی دیده نمی‌شود.

معمولاً وقتی سخن از گرامر یا همان دستور زبان پیش می‌آید، نگرانی و ترسی در بیشتر دانش‌آموزان ایجاد می‌شود که با صحبت از فرمول‌های پیچیده جبری و مثلثاتی برابری می‌کند و ناشی از تجربه‌های بد آنان در گذشته است. علت این ترس و نگرانی چیست؟

دستور زبان، همان‌طور که از نام آن پیداست، شامل مجموعه‌ای از قاعده‌ها، اصول و ضوابط است که گویشوران آن‌ها را فرامی‌گیرند تا از آن زبان به درستی استفاده یا آن را درک کنند. همین نکته، یعنی رعایت اصول و قوانین، یکی از دلایل فرار از یادگیری دستور زبان است.

سواس مربوط به دستور زبان و ترس از اشتباه، مورد قضاوت قرار گرفتن، و مقایسه شدن با دیگران، و نیز کمال‌گرایی از دلایل دیگر این ترس و نگرانی هستند. نوع واکنش معلمان نیز در کاهش یا افزایش این ترس و نگرانی تأثیر بسیار زیادی دارد. این موضوع نه تنها موجب فرار از یادگیری زبان، بلکه باعث کاهش روانی در مکالمه و کاهش اعتمادبه‌نفس هم می‌شود.

اما آنچه بیش از قاعده‌های متعدد و ملال‌آور مربوط به دستور زبان آزردهنده است، استثناءهای بی‌شماری است که در زبان‌هایی مانند انگلیسی وجود دارد و معمولاً گفته می‌شود که چون نمی‌توان

Rules and

داده‌ها و استثنای آنها

خاصی نیز محدود نمی‌شوند. درحقیقت، امروزه بسیاری از این موارد با استفاده از گوشی‌های همراه، همواره در دسترس هستند.

گرچه تمرکز بیش از حد بر دستور زبان و در خلأ و به کار نبردن قاعده‌ها در شرایط واقعی نیز روشی درست و مناسب برای آموزش دستور زبان به‌شمار نمی‌آید و موجب می‌شود که زبان‌آموزان هنگام استفاده از آن‌ها در محیط‌های واقعی دچار اضطراب و اشتباه شوند، اما در هر صورت، با تمام مشکلاتی که بر سر راه یادگیری دستور زبان وجود دارد، برای یادگیری یک زبان، چاره‌ای جز یادگیری گرامر آن نیست؛ حتی اگر زبان مورد نظر، زبان مادری فرد باشد. مهم این است که شخص بر مقاومت اولیه درونی خود غلبه کند و البته معلمان مثل همیشه، نقش مهمی در این امر دارند و می‌توانند با استفاده از روش‌های نو و جذاب، به تدریج میل به یادگیری را در زبان‌آموزان تقویت کنند.

یکی از ضعف‌های کتاب‌های گرامر، حجیم بودن آن‌هاست و همین نکته، فراگیرندگان زبان را نسبت به یادگیری دلسرد می‌کند

ولی مانند سایر ارکان زبانی، شیوه‌های جدیدی نیز وجود دارند که هم آموزش و هم یادگیری دستور زبان را آسان‌تر می‌سازند. در قدیم معمولاً تلاش می‌شد که ابتدا دستور زبان یک زبان را به یادگیرنده آموزش دهند و بعد از او بخواهند که هنگام صحبت کردن یا نوشتن آن را به کار گیرد. ولی امروزه روش‌های جدیدی ابداع شده‌اند که هنگام کاربرد زبان و هم‌زمان با آن، دستور زبان را آموزش می‌دهند که اصطلاحاً به آن «روش مستقیم» می‌گویند. این روش، هم علاقه به یادگیری زبان را افزایش می‌دهد و هم از ترس و ملال آن می‌کاهد.

یکی از ضعف‌های کتاب‌های دستور زبان، حجیم بودن آن‌هاست و همین نکته، فراگیرندگان زبان را نسبت به یادگیری دلسرد می‌کند. قرار نیست همه نکته‌های دستوری را با استثنای آن‌ها، به یک‌باره و در زمانی کوتاه به فراگیر آموزش دهیم. این کار می‌تواند به تدریج صورت گیرد و از نکته‌های مهم آغاز و رفته‌رفته به موارد کم‌اهمیت‌تر منتهی شود.

استفاده از فناوری‌ها، ابزارها و منابع جدید نیز می‌تواند، آموزش و یادگیری دستور زبان را ساده‌تر و لذت‌بخش‌تر کند. به‌ویژه اینکه این امکانات به شکلی تعاملی و دوطرفه هستند و به زمان و مکان

یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای تسهیل یادگیری دستور زبان، تغییر دیدگاه و رویکرد فراگیرنده نسبت به آن است. برخی به اشتباه معتقدند که بدون دانستن دستور زبان هم می‌توان یک زبان را آموخت. این گفته درست مانند این است که بگوییم، فردی بدون دانستن قواعد یک بازی، می‌تواند در آن بازی مشارکت داشته باشد. اگر شخصی بدون دانستن قواعد یک بازی در آن شرکت کند، بدون شک شکست خواهد خورد؛ ضمن اینکه سایر بازیکنان مدام او را سرزنش و شتمان می‌کنند و احتمالاً توسط داور-اگر بازی داور داشته باشد-از بازی اخراج خواهد شد.

گام بعدی این است که زبان‌آموز دید خود را نسبت به دستور زبان تغییر دهد و از آن «هیولا» یا «قله‌ای دست‌نیافتنی» نسازد. این اقدام سبب می‌شود که دید او از «منفی» به «مثبت» تغییر کند و برای یادگیری دستور زبان بکوشد. در اینجا نیز نقش معلم بسیار کلیدی است. اگر معلمی بتواند «ذهنیت منفی» زبان‌آموز را نسبت به دستور زبان تغییر دهد، نیمی از راه را پیموده است، زیرا ایجاد «ذهنیت مثبت» در زبان‌آموز موجب می‌شود که او با علاقه و پشتکار بیشتری به یادگیری دستور زبان بپردازد. همین نکته بسیاری از موانع را از سر راه او برخواهد داشت.